

جرایم علیه مالکیت فکری در قوانین کیفری ایران و مقررات بین‌المللی

تاریخ دریافت: ۸۷/۷/۱۵

تاریخ تأیید: ۸۷/۸/۲۲

محمدعلی حاجی‌ده‌آبادی*
محمد مهدی عالمی طامه**

۵۷

فقه و حقوق / سال پنجم / شماره ۲۰ / بهار ۱۳۸۸

چکیده

رشد روزافزون دانش، علم، صنعت و تکنولوژی مرهون خدمات بی‌شائبه اندیشمندان و مبتکران در حوزه های علمی، ادبی و هنری است که تمدن جدید بشری، گاه ره آورد آن و گاه خود موجب آن بوده است. یافته های فکری اندیشمندان، همانند دیگر امور اجتماعی، امکان سوء استفاده افراد سودجو و فرصت طلب را فراهم آورده تا با بهره گیری از امکانات پیشرفته موجود، به طور سریع، راحت، با هزینه کم و انگیزه های گوناگون به ارتکاب این جرایم روی آورند. پیشگیری و مبارزه با این پدیده که مبتنی بر تحلیل جرم شناختی درست از آن و وضع مقررات کیفری مناسب در جهت حمایت از مالکیت های فکری است - ضروری می سازد.

واژگان کلیدی: جرم، تحلیل جرم شناختی، مالکیت فکری، تضمین های کیفری،

مقررات بین المللی.

* استادیار دانشگاه قم (dr_hajidehabadi@yahoo.com).

** دانشجوی دکتری دانشگاه امام صادق (m.alemi36@yahoo.com).

مقدمه

امروزه با افزایش توجه به اقتصاد دانایی‌محور در کشورهای گوناگون، نقش مالکیت فکری در خلق ثروت و رشد و توسعه اقتصادی از راه کاربرد فناوری‌های جدید و نگاه تجاری به دستاوردهای فکری اهمیت بسیاری یافته است. حقوق مالکیت معنوی، یک فرد یا سازمان را قادر می‌سازد تا بتواند با نوآوری‌های خود در زمینه‌های خاص ارزش اقتصادی ایجاد کند. بنابراین، مالکیت فکری به‌طور گسترده و روزافزون جایگاه خود را در عرصه بازرگانی و رقابت بین‌المللی تقویت می‌کند. علاوه بر رویکرد اقتصادی و مبانی نظری بحث، توجه به حمایت و تدوین قوانین و مقررات مناسب و سازوار در عرصه‌های گوناگون تولید آثار ادبی، هنری و صنعتی از منظر حقوق - به‌ویژه حقوق کیفری - لازم است. این مقاله پس از تبیین جرم‌شناختی جرایم علیه مالکیت‌های فکری، تضمین‌های کیفری آن را در قوانین ایران و مقررات بین‌المللی بررسی می‌کند.

۱. جرم‌شناسی جرایم علیه مالکیت‌های فکری

بررسی جرایم از منظر جرم‌شناسی، علاوه بر شناخت ماهیت، گونه‌ها و صورت‌های وقوع جرایم، علل و عوامل پدیدآورنده آن را نیز شامل می‌شود. بحث از ماهیت و شکل جرایم مالکیت‌های فکری ما را به درک عمیق‌تر این پدیده اجتماعی رهنمون می‌سازد و بحث از علل و عوامل جرم، در واقع با نظریه‌های جرم‌شناسی پیوند می‌یابد. نظریه‌های جرم‌شناسی، تبیین‌هایی درباره چگونگی عملکرد و تأثیرگذاری عوامل فردی و اجتماعی در پیدایش و شیوع پدیده مجرمانه است. در این مبحث، پس از ارائه توضیحاتی درباره‌ی واژگان و مفاهیم کلیدی موضوع بحث در این مقاله، ماهیت جرایم علیه مالکیت‌های فکری از منظر جرم‌شناسی بررسی می‌شود و در نهایت، تبیین‌های جرم‌شناختی این‌گونه جرایم مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱-۱. مفهوم‌شناسی

«مالکیت» مصدر جعلی یا اسم مصدر به معنای «مالک بودن» است. این واژه هم در معنای «حق مالکیت و تصرف» و هم به معنای «مال و شیئی که مالکیت به آن تعلق می‌گیرد» است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۹۹۵).

واژه «Property» در زبان انگلیسی نیز در بردارنده این دو معناست (Garner, 1379: 50). واژه «فکر» یا اسم به معنای «اندیشه» است که جمع آن افکار است و یا مصدر به معنای «اندیشیدن و تأمل» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۷۱۹۶).

معادل انگلیسی این واژه «Intellectual» است و وصفی است که بر توانایی فرد به فکر کردن در روشی منطقی و شناخت اشیا و یا به کارگیری این توانایی دلالت می‌کند (Hornby, 2002: 676).

۵۹

فقه و حقوق / جرائم علیه مالکیت فکری در قوانین کیفری ایران و...

«مالکیت‌های فکری» به معنای انواع مالکیت و سلطه تام بر آثار فکری برای پدیدآورنده اثر فکری است. به لحاظ حقوقی، اصطلاح «مالکیت‌های فکری» (intellectual property) اشاره به حقوق و امتیازهای ویژه‌ای نسبت به موضوع‌های فکری دارد. در ایالات متحده آمریکا، مالکیت‌های فکری شامل حقوقی است که از راه حق کپی کردن، حق ثبت اختراع و حقوق علامت تجاری ایجاد می‌شود. قانون کپی‌رایت حقی انحصاری به نویسنده می‌دهد تا اثری ادبی، هنری یا موسیقی را دوباره ایجاد، توزیع، اجرا و اقتباس کند.

قانون ثبت اختراع، به مخترع حق انحصاری می‌دهد تا اختراعی را که ساخته است، استفاده کند یا بفروشد و قانون علامت تجاری به شرکت، حق انحصاری استفاده از یک علامت یا نشان ویژه را برای شناسایی محصولات خود می‌دهد (Luckenbill, 2002: 301).

اصطلاح «مالکیت‌های فکری» اشاره به موضوع‌های فکری نیز دارد. اظهار عقاید، مدیریت کلمات، صداها یا تصاویر، آن‌گونه که در کتاب‌ها، مدارک و فیلم‌ها تجسم می‌یابد، همه به عنوان مالکیت‌های فکری تلقی می‌شوند (Ibid).

برخی پژوهشگران با واکاوی معانی و تعاریف ارائه شده، کاربردهای معنایی اصطلاح مالکیت فکری را در سه حوزه «سیار خاص: شامل مالکیت ادبی و هنری»،

«خاص: شامل مالکیت بر امور فکری و اطلاعات» و «عام: مالکیت بر همه امور غیرمادی دارای ارزش اقتصادی» دانسته‌اند (حکمت‌نیا، ۱۳۸۶: ۳۲). البته بدون شک در این مقاله، معنای سوم مد نظر نیست.

«تضمین» در معانی: چیزی را به ضمانت به کسی دادن، پذیراندن و ضامن گردانیدن کسی، چیزی را به کسی غرامت‌دادن، در پناه خود درآوردن و... به کار می‌رود (دهخدا، ۱۳۷۷: ۶۷۸۲).

«تضمین‌های کیفری» آن دسته ضمانت اجراهای کیفری، مجازات‌ها، عقوبت‌ها و اهرم‌های سزادهنده‌ای هستند که به وسیله مقنن وضع می‌شوند و از یک منظر در مقابل تضمین‌های مدنی، اداری، تجاری و... قرار دارند.

تضمین‌های کیفری ناظر به جرایم علیه مالکیت‌های فکری، کیفی‌هایی است که در مواجهه با نقض حقوق مالکیت‌های فکری در قوانین یک کشور وضع و به اجرا درمی‌آید. در این معنا، مالکیت‌های فکری همچون مالکیت‌های عینی به مثابه حقی از حقوق شهروندان تلقی می‌شود که از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی به گونه‌های مختلف مورد تعدی و تجاوز قرار می‌گیرد. در واقع تحول‌های زندگی اجتماعی بشر و رشد روزافزون فناوری‌ها و پیشرفت و گسترش ابزارهای کسب دانش، زندگی نوی را بر بشر عرضه داشته است که می‌توان از آن به «زندگی یا عصر فکری» نام برد که حتی بر بُعد صنعتی - که خود محصول پیشرفت فکری بشر در عرصه علمی خاص است - تأثیر می‌گذارد. اگر در عصر کشاورزی یا عصر صنعتی، این اموال و اشیا بودند که بشر تعلق خاطر فراوانی به آنها داشت، امروزه بیش از اموال و اشیا، این فکر و اندیشه است که مورد توجه قرار گرفته است؛ فکر و اندیشه‌ای که در قالب کتاب، مقاله، پژوهش و... تدوین می‌شود. در این معنا قالب‌هایی که فکر بشر را در خود دارد - نه به لحاظ مادی - بلکه از آن رو که دربردارنده نوع اندیشه بشری است و ره‌آوردها و نتایج بسیار سودمند و گرانبگی برای فرد و جامعه داشته است و از جایگاه معنوی والایی برخوردار است، مورد توجه قرار دارد. بدین لحاظ طبیعی است که این امر مورد هجوم و تجاوز سودجویان و فرصت‌طلبان نیز قرار گیرد. با این حال، ماهیت جرایم علیه مالکیت‌های فکری از جهاتی متفاوت از جرایم علیه مالکیت‌های عینی است، حتی ویژگی‌های

مرتکبان و بزه‌دیدگان این دو نیز متفاوت است. تبیین‌های گوناگونی از چرایی این جرایم عرضه شده است که به وسیله آنها می‌توان علت‌های پیدایی این‌گونه جرایم را شناسایی کرد و راهکارهای پیشگیری و مقابله با آن را به دست آورد. واکنش‌های کیفری فقط بخشی از گستره پاسخ‌ها به این‌گونه جرایم است.

۱-۲. ماهیت جرایم علیه مالکیت‌های فکری

در مباحث حقوقی و جرم‌شناسی، جرایم را برحسب مؤلفه‌های گوناگون به گونه‌های متفاوتی تقسیم می‌کنند: «طبیعی و اعتباری»، «جرایم علیه اشخاص، علیه اموال و علیه امنیت و آسایش عمومی»، «جرایم خشن و غیرخشن»، «جرایم سیاسی و عادی»، «جرایم مشهود و غیرمشهود»، «جرایم قابل گذشت و غیرقابل گذشت» و...

این‌گونه تقسیم‌بندی‌ها، راه را به سوی شناخت هرچه بهتر و بیشتر ماهیت این جرایم باز می‌کند و گرفتن واکنش‌های مناسب در قبال آنها را فراهم می‌سازد.

جرایم علیه مالکیت‌های فکری از جرایم اعتباری‌اند. به عبارت دیگر، چنین نیست که طبیعت و ماهیت عمل ارتكابی به‌گونه‌ای باشد که به‌لحاظ حقوقی در سراسر جهان جرم تلقی شود، بلکه این دولت‌ها و حکومت‌ها هستند که می‌توانند با جرم‌انگاری اعمال ناقض مالکیت‌های فکری، تضمین‌های کیفری را برای حمایت از موضوع‌های فکری در نظر بگیرند. اگرچه از نقطه نظر بین‌المللی می‌توان با توجه به کنوانسیون‌های متعددی که در جهت حمایت از مالکیت‌های فکری تنظیم شده‌اند، جهت‌گیری کلی نظام بین‌الملل را به سوی حمایت از مالکیت‌های فکری دانست.

جرایم علیه مالکیت‌های فکری از زمره جرایم علیه اموال و مالکیت به حساب می‌آیند. گرچه تصور مال بودن برای یک حق فکری دشوار است، ولی شکی نیست که این‌گونه حقوق، قابلیت مالکیت و نقل و انتقال را دارند. همچنین، امروزه این جرایم، نظر به گستره و حجم روزافزون و اختلالی که در نظم و امنیت جامعه ایجاد می‌کنند، از جرم مدنی به جرم کیفری تغییر ماهیت پیدا کرده‌اند. در ضمن، اگر حقوق مالکیت‌های فکری را سرمایه اجتماعی یک جامعه بدانیم که سهم عظیمی در فرهنگ و پیشرفت علمی و مادی جامعه دارد، می‌توان دریافت که به چه منظور مورد هجوم

بیگانگان قرار می‌گیرند.

در هر حال، به‌لحاظ جرم‌شناختی شکی نیست که جرایم علیه مالکیت‌های فکری، از جمله پدیده‌های اجتماعی عصر حاضر است، نه به این معنا که پیش از این در زمان‌ها و اعصار پیشین وجود نداشته است، بلکه فراوانی آن به میزانی که در عصر حاضر وجود دارد، نبوده است. نکته قابل توجه اینکه این‌گونه جرایم به‌لحاظ مرتکبان نیز تا حد زیادی متفاوت از دیگر جرایم است. مرتکبان این جرایم را عموماً کسانی تشکیل می‌دهند که در کسوت دانشجویی، پژوهش و کسب علم گام برمی‌دارند. به همین دلیل است که برخی این‌گونه جرایم را در زمره «انحراف‌های علمی» (scientific deviance) قرار می‌دهند. البته انحراف‌های علمی پدیده‌ای با گستره و شمول بیشتر است که مواردی چون جعل و تحریف اطلاعات، همچنین سرقت اطلاعات، اختراعات و تألیفات را شامل می‌شود (Custom, 2002: 22).

در هر حال، جرایم علیه مالکیت‌های فکری از جمله «جرایم سودجویانه» است که به شدت با تأمین منافع و نیازهای اقتصادی مرتکب جرم ارتباط دارد. این جرایم می‌توانند به شکل گروهی یا فردی ارتکاب یابند، همچنان‌که بزه‌دیدگان این جرایم نیز می‌توانند یک گروه یا فرد باشند.

۳-۱. تبیین‌های ناظر به جرایم علیه مالکیت‌های فکری

به‌طور کلی در تحلیل جرم‌شناختی جرایم مالکیت‌های فکری (فارغ از ارتکاب آن از سوی اهل علم و اندیشمندان یا غیر آنها) می‌توان از چندین نظریه جرم‌شناختی بهره گرفت. تبیین‌های جرم‌شناختی، گذشته از آنکه علل و عوامل جرم را بررسی می‌کنند، تحلیل‌هایی از چگونگی تأثیر آنها عرضه می‌دارند. از این رو، فهم مهم‌ترین نظریه‌های جرم‌شناسی که درباره یک جرم قابل بررسی است، راه را به سوی بررسی امکان مواجهه مؤثر با جرم و روش‌های آن می‌گشاید و بر این اساس، می‌توان به موفقیت و یا عدم موفقیت و اساساً میزان اتقان تدابیر و اقداماتی که در حقوق کیفری برای مواجهه با آن در نظر گرفته شده است، پی برد.

۱-۳-۱. نظریهٔ فعالیت‌های روزمره (Routine Activity theory)

نظریهٔ فعالیت‌های روزمره، توضیح قابل قبولی را در تبیین و تحلیل جرم‌شناختی جرایم علیه مالکیت‌های فکری ارائه می‌کند. این نظریه اشاره می‌کند که بزه‌های مالکیت‌های فکری از هم‌گرایی زمانی و مکانی سه رکن حاصل می‌آید: بزهکارانِ برانگیخته، اهداف مناسب و فقدانِ حفاظت‌های توانمند (Luckenbil, 2002: 302).

نخست اینکه بزه نیاز به «بزهکار بانگیزه» دارد؛ فردی که هم می‌خواهد و هم بتواند از قانون تخلف کند. به نظر می‌رسد تمایل به سوءاستفاده از موضوع‌های فکری، فراگیر باشد. این امر ممکن است از این ایده ناشی باشد که شهروندان، خود را دارای حق بهره‌مندی از اطلاعاتی که ضروری‌اند، بدانند؛ یعنی برای حق آگاهی خود مرزی قائل نیستند. این ایده، آنها را تشویق می‌کند که موضوع‌های فکری را رایگان تلقی کنند و تصور کنند به هر شکلی که بخواهند، می‌توانند از آن استفاده کنند.

همچنین ممکن است این تمایل ناشی از این عقیده باشد که چنین رفتارهایی نه تنها معقول، بلکه بی‌ضرر هم هست. به بیان دیگر، از نظر مرتکبان این جرایم، ممکن است این توجیه که «کار من ضرری به کسی نمی‌زند» مبنای رفتار آنها را تشکیل دهد.

از سوی دیگر، پیشرفت فناوری و آسان‌گردیدن استخراج اطلاعات، خود عامل مهمی در فرایند تجاوز به مالکیت‌های فکری است. دستگاه‌های کپی عکس، اسکرین‌های تصویری، ویدئوها و کامپیوترهای شخصی نمونه‌ای از پیشرفت فناوری است.

بزه مالکیت فکری نیازمند «هدف و آماج سودمند» است؛ موضوعی که هم جذاب و هم آسیب‌پذیر است. موضوعات مالکیت فکری غالباً منبع کلان ثروت و مورد تقاضای فراوان و همچنین در قبال سوءاستفاده، بسیار آسیب‌پذیرند و آشکارا در دسترس مردم قرار دارند، چون برای استفاده ایجاد شده‌اند. دستکاری در بسیاری از موضوعات فکری آسان و سهل است. کاهش کلمات، صدا و تصاویر برای یک شکل دیجیتال، کار دشواری نیست.

گفتنی است در حوزهٔ مالکیت‌های فکری، حفاظت‌های قوی، محدود شده است و موضوعات مالکیت‌های فکری، کمتر از این مهم بهره‌مندند. از سوی دیگر، تلاش دولت‌ها برای محافظت از موضوعات فکری تقریباً کم است. این مؤلفه‌ها زمینهٔ آسیب‌پذیری

هرچه بیشتر، سریع و کم‌هزینه موضوعات فکری را فراهم کرده است (Ibid).

۲-۳-۱. نظریه نابهنجاری (anomie) رابرت مرتون (Robert Merton)

«تئوری نابهنجاری» اظهار می‌دارد که رفتارهای ناهمنوا با هنجارهای اجتماعی، نمادی از گسستگی و انفکاک میان امیال و اهداف به رسمیت شناخته شده فرهنگی و ابزارهای اجتماعی برای درک این امیال است (مرتون، ۱۹۶۸: ۱۸۸).

این تئوری، مشکل را در تضاد میان اهداف و توانایی دستیابی مشروع به آنها می‌بیند. مرتون اشاره می‌کند که برخی از اهداف مانند دستیابی به ثروت، موقعیت‌های اجتماعی و تحصیلات عالی، به شدت از سوی جامعه مورد تأکید قرار می‌گیرد و جامعه فقط برای برخی ابزارهای دستیابی به آن اهداف را فراهم می‌آورد. همه افراد در امکان دستیابی به آن اهداف، فرصت یکسانی ندارند. در نتیجه برخی افراد تصمیم می‌گیرند از راه نامشروع به اهداف تأکید شده، دست یابند (ملک‌محمدی، ۱۳۸۳: ۱۱۰).

در حقیقت هر نوع تأکید بیش از حد بر اهداف، باعث کم‌رنگ شدن تطابق با هنجارهای نهادین حاکم بر رفتار می‌شود. این کشاکش میان اهداف و ابزارهاست که نوعی فشار به سوی نابهنجاری را ایجاد می‌کند (همان: ۱۱۱)؛ به‌عنوان نمونه، ایجاد حس مصرف‌گرایی و فزونی طلبی، خود ناشی از تأکید بیش از حد بر اهداف مالی در یک جامعه است که این امر را به‌طور محسوس می‌توان در جامعه ایران مشاهده کرد. تعمق و تأمل در تبلیغات رسانه‌های عمومی خصوصاً تلویزیون گواه صدق این مدعاست. امروزه تبلیغات، مشوق مصرف‌گرایی و مال‌اندوزی از انواع بانک‌ها و بالابردن سودهای پرداختی به مشتریان، همچنین آگهی‌های فروش انواع ماشین‌ها، تلفن‌های همراه، خوراکی‌ها، یخچال‌ها و... و روند استفاده از بهترین منازل با وسائل رفاهی بالاتر از حد متعارف جامعه در فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی، از یک سو اهداف مال‌گرایانه را به شدت ترغیب می‌کند و از سوی دیگر، عدم استطاعت مالی بسیاری از خانواده‌ها و رشد روزافزون تورم در جامعه، زمینه تلاش مضاعف در جهت دستیابی به این اهداف را فراهم کرده است و بسیاری از افرادی که با ابزارها و روش‌های قانونی و جامعه‌پسند به آمال‌های خود نمی‌توانند برسند، به ارتکاب جرم دست می‌یازند. همچنین، دستیابی

به موقعیت‌های عالی دانشگاهی و نیز ارتقا از رتبه‌ای به رتبه‌ی دیگر، امری است که در یک جامعه مانند جامعه‌ی ما بسیار مقبول است، ولی فرصت‌های به این موقعیت‌ها و روش‌های طی مدارج علمی، با دشواری‌های فراوان همراه است و همه نمی‌توانند به راحتی این مسیر را طی کنند، به‌ویژه که برای همگان نیز این فرصت فراهم نیست. روشن است جرایم مالکیت‌های فکری که بیشتر با هدف کسب سودهای کلان اقتصادی و موقعیت‌های اجتماعی صورت می‌پذیرند، از این منظر قابل توجیه خواهند بود؛ خصوصاً آنکه برخی از این جرایم از سوی دانشمندان، پژوهشگران و اهل علم صورت می‌پذیرد که علت آنها را می‌توان در نظام پاداش و ارتقای رایج در محیط‌های آموزشی و نیز وجود بی‌عدالتی‌های ساختاری که منجر به محرومیت برخی محققان می‌شود واکاوی کرد؛ زیرا این عوامل خود فشار در جهت استفاده از ابزارها و میانبرهای غیرقانونی را افزایش می‌دهد (Bechtel & Prarson, 1985: 237-152).

۳-۱-۳. نظریه‌های کنترل اجتماعی (social control theories)

نظریه‌های کنترل اجتماعی از جدیدترین نظریه‌هایی‌اند که امروزه در جامعه‌شناسی جرایم کاربرد دارند. نظریه‌های کنترل، به‌ویژه نظریه‌هایی که در آغاز مطرح شده است، با مفروض انگاشتن طبیعت شرور انسان، از عوامل بازدارنده‌ی او بحث می‌کنند. به بیان دیگر، پرسش اساسی در این نظریه‌ها این نیست که چرا انسان‌ها مرتکب جرم می‌شوند، بلکه پرسش این است که چگونه می‌توان انسان‌ها را از ارتکاب جرم بازداشت. در حقیقت، کنترل اجتماعی اصطلاحی است که بر روش‌هایی دلالت می‌کند که زمینه رفتارهای مطابق هنجارهای اجتماعی را فراهم می‌سازد و از عملکرد مخالف انتظارات عمومی جلوگیری می‌کند (Clifton, 2006: 360).

از آرمان‌های ارزشی این نظریه‌ها، افزایش میزان جامعه‌پذیری (socialization) افراد است؛ یعنی اغلب تلاش‌ها و کنترل‌ها در مسیر بالا بردن میزان انطباق افراد با نرّم‌ها و هنجارهای جامعه است.

به‌طور کلی کنترل اجتماعی به دو قسم کنترل رسمی و غیررسمی تقسیم می‌شود. کنترل‌های رسمی، مجموعه تدابیر کنترل‌کننده‌ای هستند که از سوی مقامات رسمی

(پلیس، مقامات قضایی و زندان) صورت می‌پذیرند، در حالی که کنترل‌های غیررسمی کنترل‌هایی هستند که از سوی مقامات غیررسمی (مسجدها، خانواده‌ها و مراکز فرهنگی) واقع می‌شوند. امروزه، جذابیت و آسیب‌پذیری موضوعات فکری و در دسترس بودن فناوری‌های استخراج اطلاعات، ضرورت کنترل اجتماعی به معنای اعم (رسمی و غیررسمی) را آشکار کرده است و مالکان مالکیت‌های فکری را به تلاش‌های جدیدی برای محافظت از سوءاستفاده از موضوعات فکری بازداشته است. برخی از این تلاش‌ها از نوع کنترل‌های رسمی و برخی دیگر از کنترل‌های غیررسمی‌اند. به‌طور نمونه در ایالات متحده آمریکا، مالکان موضوعات فکری، حکومت را ملزم به تلاش هرچه بیشتر در جهت حمایت از مالکیت‌های فکری می‌دانند. آنها قانونگذاران را برای تصویب قوانین حفاظتی تحت فشار قرار داده‌اند. آنها خواستار افزایش مجازات‌های کیفری دربارهٔ تعدی به نرم‌افزارهای کامپیوتری، فیلم‌ها و نوارهای کاست شده‌اند. همچنین، آنها بر اعطای دستور منع توزیع نوارهای ویدئویی غیرمجاز از سوی دادگاه‌ها تأکید ورزیدند.

مالکان پدیده‌های فکری، هم‌راستا با درخواست افزایش وضع مقررات کیفری، متصدیان اجرای قانون را تحت فشار قرار داده‌اند تا بزهکاران را شناسایی و تحت پیگرد قرار دهند. این موارد نمونه‌هایی از درخواست کنترل رسمی دربارهٔ موضوعات فکری است.

از سوی دیگر، بسیاری از مالکان به ایجاد دفاتر امنیتی برای بررسی شکایات، شناسایی متخلفان و کمک به مسئولان در تعقیب آنها اقدام کرده‌اند. همچنین مالکان، الگوهای حمایت فردی و به تعبیر دیگر «خودحمایتی» را به استخدام می‌گیرند و فناوری‌های ویژه‌ای را برای بررسی سوءاستفاده‌ها به‌کار می‌بندند؛ به‌عنوان مثال، دستگاه‌های خنثی‌کنندهٔ کپی‌برداری در بعضی از استودیوهای فیلم، نصب می‌شوند و مردم را به جلوگیری از سوءاستفاده ترغیب می‌کنند. این موارد، نمونه‌هایی از کنترل غیررسمی را نشان می‌دهد (Luckenbil, 2002: 303).

۲. تضمین‌های کیفری جرایم علیه مالکیت‌های فکری

در این قسمت، به بررسی تضمین‌های کیفری جرایم علیه مالکیت‌های فکری در مقررات بین‌المللی و قوانین کیفری ایران می‌پردازیم:

۲-۱. تضمین‌های کیفری جرایم علیه مالکیت‌های فکری در مقررات بین‌المللی

از آنجا که در مقررات بین‌المللی مربوط به مالکیت‌های فکری فقط سه کنوانسیون و میثاق را می‌توان یافت که در برخی از مقررات آنها تضمین‌های کیفری ناظر بر نقض مالکیت‌های فکری یافت می‌شوند، به بررسی آنها می‌پردازیم.

۲-۱-۱. کنوانسیون برن^۱

ماده ۱۶ کنوانسیون برن، اساسی‌ترین ماده درباره جرم‌انگاری مواردی از نقض مالکیت‌های فکری و ضمانت اجرای آن است. طبق بند ۱ ماده ۱۶ کنوانسیون برن، تکثیر غیرقانونی آثار مورد حمایت در کشورهای عضو، جرم‌انگاری شده است و ضمانت اجرای آن، توقیف و جمع‌آوری آثار تکثیر شده، غیرمجاز است که ماهیت اقدامات تأمینی تربیتی دارد. البته روش توقیف این آثار، به قوانین ملی کشورهای عضو ارجاع شده است (فتحی‌زاده و بزرگی، ۱۳۸۳: ۲۶۰).

روشن است صرف توقیف و جمع‌آوری آثار تکثیرشده غیرمجاز، به هیچ‌وجه با ماهیت مجازات‌ها و اهداف آن (به‌ویژه ضرورت بازدارندگی کیفر) تطبیق ندارد. در عمل نیز چنین مقرراتی را نمی‌توان حامی بایسته‌ای برای جلوگیری از نقض حقوق مالکیت‌های فکری صاحبان پدیده فکری دانست.

گفتنی است طبق ماده ۱۲، ۱۴ و ۱۴ مکرر کنوانسیون برن، حق اقتباس از اثر به‌طور انحصاری برای تهیه فیلمنامه و تکثیر آن به رسمیت شناخته شده است (الستی، ۱۳۸۶: ۷۶). همچنین، بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون برن نیز حق اعتراض به هرگونه تحریف، کاستی و یا تغییر اثر پدیدآورنده را برای وی به رسمیت شناخته است. البته برخلاف اطلاق حقوق ایران، آن را به ایراد لطمه به حیثیت پدیدآورنده مقید کرده است (همان: ۷۸).

1. Berne Convention for the Protection of Literary and Artistic Works (1886).

۲-۱-۲. موافقت‌نامه تجاری حمایت از حقوق مالکیت‌های فکری (تریپس)^۱

براساس ماده ۶۱ موافقت‌نامه تریپس، جعل عمدی علامت‌های تجاری یا سرقت کپی‌رایت در مقیاس تجاری جرم‌انگاری شده است. همچنین، در دیگر جرایم عمدی باعث نقض مالکیت‌های فکری در مقیاس تجاری، اعمال مجازات‌های کیفری به قوانین کشورها ارجاع شده است. تضمین‌های کیفری مقرر در این ماده شامل حبس و گرفتن جریمه نقدی کافی‌اند که به‌عنوان عاملی بازدارنده مطابق با سطح مجازات‌های معمول درباره جرایم مشابه اعمال می‌شوند.

گفتنی است به تصریح ماده مذکور، راه‌های کیفری جبران خسارت از نوع توقیف، ضبط و معدوم کردن کالاهای باعث نقض مالکیت‌های فکری فقط درباره ابزارهایی که بیشترین استفاده از آنها در ارتکاب جرم صورت گرفته است، اعمال خواهد شد (فتحی‌زاده و بزرگی، ۱۳۸۳: ۲۶۰).

۲-۱-۳. کنوانسیون آوانگاشت‌ها^۲

ماده ۳ کنوانسیون آوانگاشت‌ها، به‌صراحت اعمال مجازات در موارد نقض آثار مورد حمایت حقوق مالکیت‌های فکری را به کشورهای عضو ارجاع داده است (همان). از تبیین مقررات مذکور روشن می‌شود که فقط در موافقت‌نامه تریپس، مقررات کیفری بین‌المللی جهت حمایت از مالکیت‌های فکری وجود دارد که آن نیز تنها به جرم‌انگاری برخی از رفتارهای ناقض مالکیت‌های فکری و درباره برخی از موضوع‌های مالکیت‌های فکری (علامت‌های تجاری یا سرقت کپی‌رایت در مقیاس تجاری) است و در کنوانسیون‌های دیگر نیز فقط بر ضرورت تعیین ضمانت اجرای کیفری تصریح شده است و یا مقرراتی با ماهیت اقدامات تأمینی عینی (درباره پدیده‌های فکری غیرمجاز و نه کیفر ناقضان مالکیت‌های فکری) وضع شده است. روشن است از مشی کلی مقررات بین‌المللی حامی مالکیت‌های فکری، این واقعیت قابل استنباط است که

1. Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS).
2. Geneva Convention for the Protection of Producers of Phonograms against unauthorized Duplication of their Phonogram (1971).

هنوز جامعه بین‌المللی به آن قدرتی نرسیده است که خود را قادر به مقابله با کشورها و حاکمیت‌های ملی بداند. بنا بر فرض مذکور است که تدوین‌کنندگان کنوانسیون‌های مذکور، گرچه گاه بر ضرورت جرم‌انگاری و اعمال مجازات درباره ناقضان حقوق مالکیت‌های فکری تأکید ورزیده‌اند، به‌خوبی می‌دانسته‌اند که باید تعیین مجازات را به قوانین داخلی و اعمال آن را به حکومت‌ها بسپارند.

۲-۲. تضمین‌های کیفری جرایم علیه مالکیت‌های فکری در قوانین ایران

قوانینی که به‌طور خاص و موضوعی، مالکیت‌های فکری در ایران را مورد حمایت قرار داده است، به تعیین جرایم و مجازات‌های ناقضان آن پرداخته است که به ترتیب وضع، بررسی می‌شوند:

۲-۲-۱. تضمین‌های کیفری جرایم علیه مالکیت‌های فکری در قانون حمایت از

حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸

فصل چهارم از قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان به جرم‌انگاری رفتارهای ناقض مالکیت‌های فکری مؤلفان، مصنفان و هنرمندان پرداخته است. طبق مواد ۲۳ تا ۳۱ قانون مذکور، موارد ذیل، جرایم علیه مالکیت‌های فکری مؤلفان، مصنفان و هنرمندان و مجازات آنها را تشکیل می‌دهند:

۲-۲-۱-۱. جرم نشر، پخش یا عرضه غیرقانونی اثر غیر به نام خود یا دیگری

طبق ماده ۲۳ قانون مذکور، هرکس تمام یا قسمتی از اثر دیگری را که مورد حمایت قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان باشد، بدون اجازه پدیدآورنده به نام خود یا حتی به نام پدیدآورنده یا با علم و عمد به نام شخص دیگر، نشر، پخش یا عرضه کند، به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌شود. به‌نظر می‌رسد مواردی که ناقضان مالکیت‌های فکری از راه نشر، پخش یا عرضه غیرقانونی اثر به بهره‌بردار مادی کلان دست یافته‌اند، نه‌تنها میزان کیفر وضع شده با اهداف مجازات‌ها (به‌ویژه هدف بازدارنگی کیفر) همخوانی ندارد، ممکن است مجرمان حرفه‌ای، بدون شرکت در عملیات اجرایی جرایم پیش‌گفته با استخدام افرادی به‌صورت فاعل معنوی مرتکب این

جرائم گردند. در این صورت، مسئولیت کیفری اصلی متوجه مباشر جرم است و افراد مذکور فقط معاون جرم محسوب می‌شوند و طبق ماده ۷۲۶ قانون مجازات اسلامی، به حداقل مجازات مندرج در ماده ۲۳ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان (شش ماه حبس) محکوم می‌شوند.

۲-۲-۱-۲. جرم چاپ، پخش و نشر غیرقانونی ترجمه به نام خود یا دیگری

ماده ۲۴ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸، چاپ، نشر و پخش غیرقانونی آثار ترجمه‌ای را که برای نخستین بار در ایران چاپ، پخش یا نشر شده باشد، باعث حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال دانسته است.

به نظر می‌رسد ضمانت اجرای مذکور با توجه به سیاست حبس‌زدایی قوه قضائیه و با عنایت به بند الف ماده ۳ «قانون وصول برخی درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین» مصوب ۱۳۷۳ (که در میزان حبس مقرر قانونی با حداقل کمتر از نود و یک روز و حداکثر بیش از نود و یک روز، قاضی را به صدور حکم به بیش از نود و یک روز حبس یا حکم به تبدیل حبس به جزای نقدی از هفتاد هزار ریال و یک تا سه میلیون ریال مکلف می‌کند)، حداقل در مواردی که مجرم از این راه به بهره‌برداری‌های مادی (اقتصادی) کلان دست یافته است، به هیچ‌وجه کافی نخواهد بود و اثر بازدارنده نخواهد داشت.

همچنین، برای معاونت در این جرائم نیز طبق تصریح ماده ۷۲۶ قانون مجازات اسلامی، فقط حکم به حداقل مجازات مقرر قانونی (سه ماه) میسر خواهد بود که آن هم با توجه به بند الف ماده ۳ قانون وصول برخی درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳، به جزای نقدی تبدیل خواهد شد.

۲-۲-۱-۳. جرم سوءاستفاده از نام، عنوان یا نشان ویژه معرف اثر غیر

طبق ماده ۲۵ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، متخلفان از مفاد ماده ۱۷ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸، به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم می‌شوند.

طبق ماده ۱۷ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸:

نام، عنوان و نشانه ویژه‌ای که معرف اثر است، از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود و هیچ‌کس نمی‌تواند آنها را برای اثر دیگری از همان نوع یا مانند آن، به‌ترتیبی که الفای شبهه کند، به‌کار ببرد.

گفتنی است اعمال ماده مذکور، مشکلاتی را برای پدیدآورندگان ایجاد کرده است. اگرچه ماده مزبور در مقام جرم‌انگاری «استفاده غیرقانونی از نام و عنوان اثر دیگری» و حمایت از پدیدآورندگان آثار فکری بوده است، در مواردی که فرد با عمل خود منجر به حذف نام، عنوان و نشان معرف پدیدآورنده می‌شود، به جرم‌انگاری نپرداخته است. تنها آیین‌نامه‌ای که در این زمینه موجود است، آیین‌نامه «استفاده از تیتراژ، کپشن (عنوان) و بازگشت به گذشته در برنامه‌ها» است که ضامن حقوق تهیه‌کنندگان سینماست و راهکارهایی را درباره حل اختلاف میان همکاران برنامه و فیلم ارائه کرده است (الستی، ۱۳۸۶: ۷۲).

لازم به ذکر است، مقررات ماده ۱۷ و ۲۵ قانون پیش‌گفته، مشمول سوءاستفاده از نام، عنوان یا نشان نشریات نمی‌شود؛ زیرا مورد مذکور از موارد شمول ماده ۳۳ قانون مطبوعات اصلاحی ۱۳۷۹ است (همان: ۷۳).
طبق ماده ۳۳ قانون مذکور:

هرگاه در انتشار نشریه، نام یا علامت نشریه دیگری ولو با تغییرهای جزئی تقلید شود، به‌طوری که برای خواندن، امکان اشتباه باشد، از انتشار آن جلوگیری و مرتکب به حبس تعزیری شصت و یک روز تا سه ماه و جزای نقدی از یک تا ده میلیون ریال محکوم می‌شود. تعقیب جرم و مجازات منوط بر شکایت شاکی خصوصی است.
ضمانت اجرای تخلف از ماده ۳۳ قانون مطبوعات ۱۳۷۹، حبس از شصت و یک روز تا سه ماه و جزای نقدی از یک میلیون تا ده میلیون ریال است.

۴-۲-۱-۲. جرم اقتباس از اثر دیگری، بدون رعایت تشریفات قانونی

اقتباس به‌معنای تغییر یا اصلاح یک اثر به‌منظور ارائه آن در شکلی متفاوت است (میرحسینی، ۱۳۸۵: ۱۳).

حق اقتباس (right of adaptation) در زمره حقوقی است که طبق مالکیت‌های فکری برای پدیدآورندگان آثار فکری وجود دارد. ماده ۱۸ و ۲۵ قانون حمایت از

حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸، رکن قانونی جرم اقتباس غیرقانونی از اثر دیگری را تشکیل می‌دهد.

ضمانت اجرای نقض حق درج نام، عنوان یا نشان معرف اثر در هنگام اقتباس از اثر، سه ماه تا یک سال محکومیت به حبس است که در ماده ۲۵ قانون مذکور تصریح شده است. البته طبق ماده ۷ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸، صرف استفاده از آثار پدیدآورنده در حدود متعارف و در جهت مقاصد علمی، فنی، آموزشی و تربیتی یا به صورت انتقاد یا تقریظ، پس از ذکر مأخذ، حتی بدون اجازه پدیدآورنده، مجاز است.

گفتنی است در مقررات بین‌المللی نیز براساس ماده ۱۲ کنوانسیون برن، پدیدآورندگان آثار از حق انحصاری اقتباس، تنظیم و یا اشکال دیگر تغییر اثر خود بهره‌مند می‌شوند.

۵-۱-۲-۲. جرم تغییر، تحریف و نشر غیرقانونی آثار ادبی و هنری

طبق ماده ۱۹ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸، هرگونه تغییر یا تحریف و نشر اثر مورد حمایت قانون مذکور، بدون اجازه پدیدآورنده آن ممنوع است. طبق ماده ۲۵ قانون مذکور، متخلف از مقررات پیش‌گفته، به سه ماه تا یک سال حبس محکوم می‌شود.

گفتنی است بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون برن نیز حق اعتراض به هرگونه تحریف، کاستی و یا تغییر اثر پدیدآورنده را برای وی به رسمیت شناخته است. البته برخلاف اطلاق حقوق ایران آن را مقید به ایراد لطمه به حیثیت پدیدآورنده کرده است. در پایان بررسی انواع تضمین‌های کیفری قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸، ذکر این امر لازم است که مطابق بند ب ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳، درباره جرایمی که حداقل مجازات مقرر قانونی آنها کمتر از نود و یک روز و حداکثر آن بیش از نود و یک روز حبس است، قاضی رسیدگی‌کننده، مکلف به صدور حکم به بیش از نود و یک روز حبس و یا صدور حکم تبدیل حبس به جزای نقدی از هفتاد هزار و یک ریال تا سه

میلیون ریال است.

همچنین، طبق ماده ۲۷ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، شاکی خصوصی، حق درخواست درج حکم در یکی از روزنامه‌ها را (به انتخاب و هزینه خود) از دادگاه صادرکننده حکم نهایی دارد. این امر فقط جنبه اعاده حیثیت و رفع شبهه دارد و فاقد جنبه کیفری و سزادهی است؛ زیرا درج حکم در صورتی که با درخواست شاکی خصوصی (و نه به وسیله حکم مستقیم دادگاه) صورت بگیرد، فاقد جنبه کیفری است.

۲-۲-۲. تضمین‌های کیفری جرایم علیه مالکیت‌های فکری در قانون «ترجمه و تکثیر کتاب‌ها و نشریات و آثار صوتی ۱۳۵۲»

۲-۲-۲-۱. جرم تکثیر، نشر و پخش و بهره‌برداری از ترجمه غیر بدون اذن صاحب حق

ماده ۱ و ماده ۷ قانون ترجمه و تکثیر کتب، نشریات و آثار صوتی ۱۳۵۲، رکن قانونی جرم مذکور را تشکیل می‌دهد. طبق ماده ۱، حق تکثیر یا تجدید چاپ، بهره‌برداری، نشر و پخش هر اثر ترجمه با مترجم یا وراث قانونی اوست. همچنین، طبق ماده ۷ قانون پیش‌گفته، کسانی که عالماً یا عامداً خلاف مقررات ماده ۱ عمل کنند، علاوه بر تأدیه خسارت‌های شاکی خصوصی، به حبس (جنبه‌ای) از سه ماه تا یک سال محکوم خواهند شد.

لازم به ذکر است، طبق ماده ۲۴ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸، فقط چاپ، نشر و پخش ترجمه دیگری به نام غیر مترجم، جرم‌انگاری شده بود، در حالی که ماده ۱ و ۷ قانون ترجمه و تکثیر کتب، نشریات و آثار صوتی ۱۳۵۲، تکثیر، نشر و پخش ترجمه غیر بدون اذن مترجم، حتی به نام مترجم را نیز جرم دانسته است. بنابراین، قانون ۱۳۵۲ توسعه‌ای در جرم‌انگاری داشته است، بدون آنکه در مجازات مقرر تفاوتی قائل شود. همچنین، پس از مقایسه درمی‌یابیم شعر ترجمه شده متعلق به غیر که به صورت کتاب یا نشریه نباشد، مشمول ماده ۱ و ۷ قانون ترجمه و تکثیر کتب، نشریات و آثار صوتی (با توجه به عنوان قانون و نه مفاد عام ماده ۱ آن) نخواهد بود، بلکه طبق ماده ۲ و ۲۴ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و

هنرمندان مورد حمایت قرار می‌گیرد.

۲-۲-۲-۲. جرم تکثیر غیرمجاز کتاب‌ها و نشریات، به زبان و شکل اولیه چاپ شده

ماده ۲ قانون مزبور بیان می‌دارد:

تکثیر کتب و نشریات به همان زبان و شکلی که چاپ شده است، به قصد فروش و یا بهره‌برداری مادی از راه افست یا عکس‌برداری یا راه‌های مشابه، بدون اجازه صاحب حق، ممنوع است.

همچنین، طبق ماده ۷ قانون مذکور، متخلف از مقررات پیش‌گفته، به سه ماه تا یک سال حبس محکوم می‌شود.

۲-۲-۲-۳. جرم ضبط و تکثیر غیرقانونی آثار صوتی به قصد بهره‌برداری مادی

مطابق ماده ۳ قانون ترجمه و تکثیر کتب، نشریات و آثار صوتی ۱۳۵۲، نسخه‌برداری، ضبط یا تکثیر آثار صوتی که بر روی صفحه یا نوار یا هر وسیله دیگر ضبط شده است، بدون اجازه صاحبان حق یا تولیدکنندگان انحصاری یا قائم‌مقام قانونی آن برای فروش ممنوع است.

طبق ماده ۷ قانون مذکور، ضمانت اجرای تخلف از این مقررات، سه ماه تا یک سال حبس است.

گفتنی است آثار صوتی موضوع ماده ۳ قانون ترجمه و تکثیر کتب، نشریات و آثار صوتی، در صورتی از حمایت قانونی برخوردارند که بر روی هر نسخه از اثر صوتی اصلی، علامت ©، تاریخ انتشار، نام و نشانی تولیدکننده و نماینده انحصاری و علامت تجارتي آن درج شده باشد. بنابراین، آثار صوتی که فاقد حتی یک مورد از موارد مذکور باشند، از حمایت ماده ۳ برخوردار نخواهند بود (مستفاد از ماده ۴ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات آثار صوتی ۱۳۵۲).

همچنین، طبق ماده ۵ قانون مزبور، تکثیر آثار صوتی به منظور استفاده علمی، آموزش و تحقیقاتی و یا به منظور استفاده شخصی و خصوصی، مشروط بر عدم انتفاع مادی از آن، جرم تلقی نمی‌شود و عمل مرتکب آن مشمول ماده ۳ نخواهد بود.

ذکر این نکته لازم است که طبق ماده ۶ قانون پیش‌گفته، حمایت از آثار صوتی،

مربوط به آثار صوتی تبعه ایرانی خواهد بود و آثار صوتی اتباع دیگر کشورها، فقط به شرط عمل متقابل، مورد حمایت قانون مذکور قرار می‌گیرد. همچنین، تهیه اثر به وسیله تبعه ایرانی حتی در خارج از کشور و وارد یا صادر کردن اثر نیز طبق بند ۲ ماده ۷ قانون مذکور، مشمول حمایت قانونی است و متخلف از آن مستحق سه ماه تا یک سال حبس خواهد بود.

۲-۲-۳. تضمین‌های کیفری جرایم علیه مالکیت‌های فکری قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای ۱۳۷۹

۱-۲-۳-۲. جرم نشر، عرضه، اجرا و بهره‌برداری غیرقانونی از نرم‌افزار رایانه‌ای متعلق به غیر

ماده ۱ و ۱۳ قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹، رکن قانون جرم مذکور را تشکیل می‌دهد.

طبق ماده ۱ قانون پیش‌گفته، حق نشر، اجرا و بهره‌برداری مادی و معنوی از نرم‌افزار رایانه‌ای، متعلق به پدیدآورنده آن است. مدت حمایت از حقوق مادی سی سال از تاریخ پدیدآوردن نرم‌افزار و مدت حمایت از حقوق معنوی اثر، نامحدود است. طبق ماده ۱۳ قانون مذکور، هرکس حقوق مورد حمایت این قانون را نقض کند، علاوه بر جبران خسارت، به حبس از نود و یک روز تا شش ماه و جزای نقدی از ده تا پنجاه میلیون ریال محکوم می‌شود.

ذکر این نکته لازم است که با تصویب «قانون اشخاصی که در امور سمعی و بصری، فعالیت‌های غیرمجاز می‌کنند» در سال ۱۳۸۶، تکثیر غیرقانونی نرم‌افزارهای رایانه‌ای در مواردی که باعث تضییع حق غیر شود، با توجه به ماده ۱ این قانون، به‌طور خاص جرم‌انگاری شده است. طبق این ماده، هر شخص حقیقی یا حقوقی و... که با مبادرت به تکثیر بدون مجوز آثار مجاز، باعث تضییع حقوق صاحبان اثر شود - اعم از جعل برچسب رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی الصاق شده بر روی نوار و لوح‌های فشرده صوتی و تصویری (سی‌دی) و یا تعویض نوار یا محتوای داخل کاست نوار دارای برچسب و مانند آن - برحسب مورد، علاوه بر مجازات جعل و پرداخت

خسارت وارده در جایی که تضییع حق باعث خسارت مالی است، در صورت مطالبه صاحبان اثر، خسارت وارده را جبران می‌کند و در هر حال به جریمه نقدی از دو میلیون ریال تا بیست میلیون ریال محکوم می‌شود.

۲-۲-۳. جرم سوءاستفاده از نام، عنوان و نشان ویژه معرف نرم‌افزار رایانه‌ای

طبق ماده ۳ قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹، نام، عنوان و نشان ویژه‌ای که معرف نرم‌افزار است، از حمایت این قانون برخوردار است. هیچ‌کس نمی‌تواند آنها را برای نرم‌افزار دیگری از همان نوع یا مانند آن، به ترتیبی که القای شبهه کند، به کار ببرد.

طبق ماده ۱۳ این قانون، هرکس حقوق مورد حمایت این قانون را نقض کند، علاوه بر جبران خسارت به حبس از نود و یک روز تا شش ماه و جزای نقدی از ده میلیون تا پنجاه میلیون ریال محکوم می‌شود.

چنان‌که ملاحظه می‌شود دستگاه تقنینی کشور در مواجهه با جرایم مالکیت‌های فکری، از دو رویکرد ترمیم (جبران خسارت) و سزادهی (مجازات‌های حبس و جریمه نقدی) بهره برده است. شاید بتوان ادعا کرد از سویی قانونگذار به دنبال سزادهی مجرم و از سوی دیگر، با وضع مجازات حبس و اعمال آن درصدد بازدارندگی، توان‌گیری و حتی در عالی‌ترین فرض، زمانی که مجازات حبس توأم با تدابیر اصلاحی تربیتی باشد - که این‌گونه نیست - درصدد اصلاح و بازپروری مجرمان بوده است. این در حالی است که این‌گونه مجرمان - همچنان‌که در تحلیل جرم‌شناختی این‌گونه جرایم گذشت - به‌طور طبیعی به سودآوری فراوان این‌گونه جرایم و راه‌های فرار از سیستم کنترل رسمی (کنترل کیفری)، به‌ویژه در زمانی که سیستم عدالت کیفری درگیر مشکلات فراوان است و از تمرکز آن نسبت به این‌گونه جرایم کاسته شده است، می‌اندیشند. علاوه بر اینکه در این‌گونه جرایم، رقم سیاه جرم، بسیار بالاتر از برخی جرایم دیگر است. بنابراین، حتی بر فرض دستگیری نیز فقط به یک یا چند جرم مکشوف آنها رسیدگی می‌شود. بدین ترتیب، سودآوری این‌گونه جرایم در مقابل کیفرهای مقرر چنان زیاد است که مجرمان شک کمتری نسبت به تکرار این جرایم دارند. در ضمن،

اشکالات موجود در ادبیات تقنینی جرم‌انگاری و توجه سیاست‌گذاران کیفری بر حبس‌زدایی قانونی و قضایی، تأثیر مضاعفی بر رفع موانع فراروی این مجرمان داشته است.

۲-۲-۴. رویکرد قوانین داخلی به مالکیت‌های فکری

از آنجا که پراکندگی قوانین حامی مالکیت‌های فکری در ایران، تشخیص حدود جرم‌انگاری و تضمین‌های کیفری مربوط به مالکیت‌های فکری را حداقل در برخی موارد حتی برای حقوقدانان امری دشوار می‌نماید، در این قسمت به ابهام‌زدایی از برخی مواد قانونی می‌پردازیم.

۲-۲-۴-۱. جرم نشر، پخش یا عرضه اثر غیر ترجمه‌ای

درباره موضوع پیش‌گفته، چندین مقررات قانونی وضع شده است. ابتدا ماده ۲۳ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸ مقرر کرد:

هرکس تمام یا قسمتی از اثر دیگری را که مورد حمایت این قانون است به نام خود یا به نام پدیدآورنده، بدون اجازه او یا عالم‌اً و عامداً به نام شخص دیگری غیر از پدیدآورنده، نشر، پخش یا عرضه کند، به حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

طبق ماده ۱ و ۲ قانون مذکور، کلمه «اثر» در این قانون عبارت است از هر آنچه از راه دانش یا هنر و یا ابتکار مؤلف، مصنف و هنرمند ایجاد شود. بنابراین، همه آثار علمی، ادبی و هنری اعم از کتاب، رساله، نمایشنامه، شعر، سرود، تصنیف، اثر سمعی (صوتی) و بصری و... را شامل می‌شود.

البته شمول ماده ۲۳ به موجب ماده ۲۴ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، اثر ترجمه را دربر نمی‌گیرد (حمایت از اثر ترجمه‌ای مشمول ماده ۲۴ است).

لازم به ذکر است با تصویب قانون ترجمه و تکثیر کتب، نشریات و آثار صوتی در سال ۱۳۵۲، طبق ماده ۲ آن، تکثیر کتب و نشریات به همان زبان و شکلی که چاپ شده است، به قصد فروش یا بهره‌برداری مادی بدون اجازه صاحب حق ممنوع شد و طبق ماده ۷ این قانون، کیفر مرتکب آن سه ماه تا یکسال حبس مشخص شده است. این در حالی است که پیش‌تر تکثیر غیرمجاز کتب و نشریات به همان زبان و شکلی که چاپ

شده است، در حدود مقررات قانون مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸، باعث حبس از شش ماه تا سه سال بود. به نظر می‌رسد کاهش مجازات رفتار مذکور - که به وسیله قانون ۱۳۵۲ صورت گرفته است - قابل دفاع نباشد. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد وضع مقررات جدید باعث کاهش حمایت تقنینی مالکیت‌های فکری در موارد مذکور شده است.

همچنین، ماده ۳ قانون ترجمه و تکثیر کتب، نشریات و آثار صوتی ۱۳۵۲، ضبط یا تکثیر آثار صوتی متعلق به غیر را بدون اجازه صاحبان حق یا تولیدکنندگان انحصاری یا قائم‌مقام قانونی آن برای فروش (بهره‌برداری) ممنوع و تخلف عالمانه و عمدی از آن طبق بند ۱ ماده ۷ باعث حبس از سه ماه تا یک سال می‌شود. این در حالی است که طبق مواد ۱ و ۳ قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارها مصوب ۱۳۷۹، نشر، عرضه، اجرا و بهره‌برداری مادی و معنوی از نرم‌افزار غیر بدون اذن صاحب حق، ممنوع و متخلف از آن به حبس از نود و یک روز تا شش ماه و جزای نقدی از ده میلیون تا پنجاه میلیون ریال محکوم می‌شود.

با توجه به توضیحات پیش‌گفته می‌توان گفت ابتدا تکثیر غیرمجاز کتب، نشریات و آثار صوتی - که بعدها مشمول حمایت خاص قانون ترجمه و تکثیر کتب، نشریات و آثار صوتی شد - مشمول ماده ۲۳ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸ بود که پس از تصویب قانون ترجمه و تکثیر کتب، نشریات و آثار صوتی ۱۳۵۲، تکثیر کتب، نشریات و آثار صوتی به‌طور خاص، از شمول ماده ۲۳ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان خارج شد. توجه به این تفکیک به جهت تفاوت مجازات‌های مندرج در دو قانون یاد شده، حائز اهمیت است.

لازم به ذکر است اگرچه در زمان تصویب قانون ۱۳۴۸ و یا ۱۳۵۲ مذکور، هنوز نرم‌افزارهای رایانه‌ای اختراع نشده بودند، جهت حمایت از مالکیت‌های فکری پدیدآورندگان نرم‌افزارها به عناوین عام «اثر» مندرج در ماده ۲۳ قانون ۱۳۴۸ مذکور یا «آثار صوتی» مندرج در ماده ۳ قانون ۱۳۵۲ استناد می‌شد که با تصویب قانون خاص حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای در سال ۱۳۷۹، حمایت قانونی از نرم‌افزارهای رایانه‌ای از شمول قوانین ۱۳۴۸ و ۱۳۵۲ مذکور خارج شد.

پس از آن نیز با تصویب قانون مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌کنند (۱۳۸۶)، به جهت حمایت از مالکیت‌های فکری پدیدآورندگان آثار سمعی و بصری مجاز، تکثیر غیرقانونی (بدون اجازه) این آثار (در صورتی که باعث تضییع حق صاحب اثر شود و فارغ از ارتکاب جرایم دیگر زمینه‌ساز جرم مذکور مانند جعل و...) مورد حمایت قانون اخیر قرار گرفت که با توجه به ماده ۱۱ قانون مذکور، باعث محکومیت به جزای نقدی از دو میلیون تا بیست میلیون ریال است. بنابراین، تکثیر غیرمجاز باعث تضییع حق صاحب اثر دیگر، مشمول قانون مؤخر (قانون ۱۳۸۶ مذکور) است که در آن میزان مجازات جزای نقدی افزایش یافته است، در حالی که مجازات حبس حذف شده است.

۲-۲-۴-۲. جرم تکثیر، نشر، پخش و بهره‌برداری از ترجمه غیر

ماده ۲۴ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸، اشعار می‌دارد: هرکس بدون اجازه، ترجمه دیگری را به نام خود یا دیگری چاپ، پخش و نشر کند، به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.

پس از تصویب قانون ترجمه و تکثیر کتب، نشریات و آثار صوتی ۱۳۵۲، طبق ماده ۱ آن، حق تکثیر، تجدید چاپ، بهره‌برداری، نشر و پخش هر ترجمه‌ای به مترجم و پس از فوت وی به وارث قانونی او تعلق دارد. متجاوزان عالم و عامد در تجاوز به این حقوق، طبق بند ۱ ماده قانون مذکور، به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم می‌شوند.

با نظر به دو ماده مذکور، به درستی چه عاملی باعث شده است تا قانونگذار، مقررات جدیدی نسبت به «تعدی به ترجمه دیگری» وضع کند؛ زیرا نه تضییق یا توسعه‌ای در جرم‌انگاری آن رفتار و نه تغییری در حدود حداقل یا حداکثر مجازات مقرر قانونی صورت پذیرفته است. حتی اگر چنین اظهارنظر کنیم که آثار ترجمه‌ای مشمول حمایت ماده ۱ قانون ترجمه و تکثیر کتب، نشریات و آثار صوتی ۱۳۵۲، فقط کتب، نشریات یا آثار صوتی‌اند، باز با شمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان نسبت به همه موارد مذکور (کتب، نشریات و آثار صوتی) هیچ توجیهی برای منطقی تلقی کردن وضع مقررات جدید به نظر نمی‌رسد، مگر آنکه اهتمام قانونگذار وقت جهت تفکیک موضوعی قوانین حامی مالکیت‌های آثار صوتی از دیگر آثار مورد حمایت

قانون مؤلفان، مصنفان و هنرمندان دلیل موجهی تلقی شود.

۲-۲-۴-۳. جرم سوءاستفاده از نام، عنوان یا نشان ویژه معرف اثر

طبق ماده ۱۷ و ۲۵ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸، نام، عنوان و نشان ویژه معرف اثر از حمایت قانونی برخوردار شده است. فردی که از علامت‌های مشابه آنها (البته به شکلی که باعث القای شبهه و اشتباه با نشان اصلی شود) استفاده کند، به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال محکوم می‌شود. این در حالی است که در سال ۱۳۷۹ در دو موضوع از موضوع‌های مالکیت‌های فکری، مقررات خاصی وضع شد: نخست آنکه طبق بند الف ماده ۳۳ اصلاحی قانون مطبوعات ۱۳۷۹، درباره نشریات چنین مقرر شد:

هرگاه در انتشار نشریه، نام یا علامت نشریه دیگری ولو با تغییرات جزئی تقلید شود، به طوری که برای خواندن، امکان اشتباه باشد، از انتشار آن جلوگیری می‌شود و مرتکب به حبس تغریری از شصت و یک روز تا سه ماه و جزای نقدی از ده میلیون تا یکصد میلیون ریال محکوم می‌شود.

دوم آنکه قانونی به نام قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای به تصویب رسید که به طور خاص، مالکیت‌های فکری نرم‌افزارهای رایانه‌ای را مورد حمایت قرار داد. طبق ماده ۳ این قانون: «نام، عنوان و نشانه ویژه‌ای که معرف نرم‌افزار است، از حمایت این قانون برخوردار است و هیچ‌کس نمی‌تواند آنها را برای نرم‌افزارهای دیگر از همان نوع یا مشابه آن، به ترتیبی که القای شبهه کند، به کار برد» و طبق ماده ۱۳ آن، متخلفان به حبس از نود و یک روز تا شش ماه و جزای نقدی از ده میلیون تا پنجاه میلیون ریال محکوم می‌شوند.

با توجه به مواد پیش‌گفته، روشن است که هر سه قانون، «سوءاستفاده از نام، عنوان یا نشان ویژه معرف اثر» را جرم‌انگاری کرده‌اند. گفتنی است اگرچه «نشریات» به موجب قانون ۱۳۴۸ مشمول حمایت بودند، اصلاح‌کنندگان قانون مطبوعات در سال ۱۳۷۹ با وضع مقررات جدید درصدد حمایت جدی‌تر در برخی از موارد و افزایش کیفر قانونی نسبت به وقوع آنها بوده‌اند.

طبق قانون مطبوعات، جرم به‌کاربردن نام، عنوان یا نشان ویژه معرف نشریات،

اگرچه فقط با تعقیب شاکی خصوصی قابل پیگیری است، چنین نیست که با گذشت وی تعقیب امر متوقف شود. بنابراین، به نظر می‌رسد طبق قانون مطبوعات، جرم مذکور از «جرائم قابل گذشت نسبی» تلقی شده است، حال آنکه طبق قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸، از جرائم قابل گذشت مطلق محسوب می‌شد.

همچنین، قانونگذار ۱۳۷۹، بر تخفیف میزان قانونی حبس و البته تعدد مجازات‌ها به حبس و جزای نقدی نظر داشته است که علت این امر را می‌توان سیاست کاهش جمعیت زندان‌ها (به دلیل آثار سوء حبس) و تأمین منبع درآمدی برای دولت دانست.

درباره نرم‌افزارهای رایانه‌ای و حمایت از پدیدآورندگان آنها نیز می‌توان گفت دستگاه تقنینی کشور به دلیل اختراع متأخر آنها و استفاده وسیع از نرم‌افزارهای رایانه‌ای - پس از گذشت دو دهه از وضع قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان -

همچنین، به دلیل لزوم حمایت ویژه از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای - که به دلیل پیشرفت فناوری و تکنولوژی با سرعتی شگفت‌آور، امکانات تعرض آسان، سریع و گسترده به صاحبان آثار رایانه‌ای وجود دارد - با تصویب قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای، به حمایت جدی از حقوق مالکیت‌های فکری پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای پرداخته است. در حقیقت توجه به تفاوت فاحش در لحاظ مجازات حبس از نود و یک روز تا شش ماه و جزای نقدی از ده میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال و مقایسه میزان مجازات مذکور با مجازات مندرج در ماده ۳۳ قانون مطبوعات (که مجازات حبس از شصت و یک روز تا سه ماه و جزای نقدی از یک میلیون تا ده میلیون ریال را برای متخلفان مطبوعاتی درباره جرم مذکور در نظر گرفته است)، همچنین، نظر به وضع هر دو قانون در یک‌سال (سال ۱۳۷۹)، حمایت هرچه جدی‌تر قانونگذار را در جهت حمایت از مالکیت‌های فکری پدیدآورندگان نشریات و نرم‌افزارهای رایانه‌ای مبرهن می‌سازد.

با توجه به بالا رفتن روزافزون تهاجم به حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارها، مجازات‌های مذکور باید دوباره مورد تجدیدنظر جدی و کارشناسانه قرار گیرند.

۵-۲-۲. نقد و تحلیل وضعیت قوانین مالکیت فکری

قوانین حامی مالکیت‌های فکری پدیدآورندگان آثار علمی، ادبی و هنری کشورمان، در موارد ذیل قابل انتقاد است:

۱. پراکندگی قوانین حمایت‌کننده حقوق مالکیت‌های فکری، ضعفی بزرگ می‌نماید. در سال ۱۳۴۸ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان تصویب می‌شود که در آن مواردی تحت حمایت قرار می‌گیرد، سپس قانون ترجمه و تکثیر کتب، نشریات و آثار صوتی ۱۳۵۲، به حمایت خاص از حقوق پدیدآورندگان کتب، نشریات و آثار صوتی می‌پردازد. در سال ۱۳۷۹، قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارها به تصویب می‌رسد. همچنین قانون مطبوعات مورد اصلاح قرار می‌گیرد که در یک ماده آن (ماده ۳۳ اصلاحی)، قوانین حمایت از حقوق مالکیت‌های فکری به چشم می‌خورد. در نهایت، در دی ماه ۱۳۸۶، موادی از قانون اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌کنند، به حمایت از حقوق مالکیت‌های فکری در زمینه امور سمعی و بصری می‌پردازد. روشن است این گستردگی و پراکندگی قوانین، خود باعث ناآگاهی و بی‌اطلاعی مردم، به‌ویژه پدیدآورندگان آثار فکری نسبت به حقوق و قوانین مربوط به آنها بوده است. به جرأت می‌توان گفت حتی حقوقدانان فقط پس از صرف وقت بسیار قادر به استخراج مقررات و قوانین مربوطه خواهند بود.

از سوی دیگر، چه بسا ناقضان حقوق مالکیت‌های فکری از حدود و ثغور دقیق قانون و مجازات‌های مربوط آگاه نباشند. در این صورت، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های وضع و اجرای مجازات‌ها که همان خاصیت پیشگیری و بازدارندگی است، به دلیل جهل به این قوانین و مجازات‌ها، محقق نخواهد شد.

همچنین، فرض علم و آگاهی مرتکبان جرایم حقوقی مالکیت‌های فکری نسبت به احکام و قوانین مربوط آن نیز به‌عنوان آماره قانونی، ظلمی آشکار خواهد بود.

۲. با توجه به گستردگی نقض حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارها و سودهای کلان نامشروع حاصل از آن، به نظر می‌رسد مجازات‌های مناسبی درباره ناقضان حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارها در نظر گرفته نشده است.

در حقیقت از آنجا که جرایم ناشی از نقض مالکیت علمی، ادبی و هنری همانند

جرایم دیگر از نظر ماهیت و اهمیت یکسان نیستند، باید هریک از جرایم را با توجه به ویژگی‌های آن سنجید و مجازات متناسبی را برای آن در نظر گرفت؛ زیرا فقط در صورتی که اصل تناسب جرم و مجازات رعایت شود، زمینه اصلاح مجرم، پیشگیری از جرم و اجرای عدالت فراهم می‌شود.

درباره قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸، به‌طور کلی تناسب میان اهمیت عمل و میزان مجازات رعایت شده است. فقط در دو ماده به این مهم توجه نشده است:

الف) درباره مجازات جرم انتشار بدون اجازه ترجمه دیگری که سبک‌تر از مجازات انتشار آثار ادبی، هنری در نظر گرفته شده است. از آنجا که ترجمه نیز ایجاد یکی از موارد آثار علمی، ادبی و هنری است، این تفاوت منطقی به نظر نمی‌رسد.

ب) در جرم «به‌کار بردن نام، عنوان و نشان ویژه معرف اثر»، مجازات حبس از سه ماه تا یک سال در نظر گرفته شده است، ولی با توجه به شباهت زیاد این جرم با جرم کلاهبرداری، مجازات آن بسیار کمتر از مجازات حبس کلاهبرداری ساده (یک تا هفت سال حبس) و مشدد (دو تا ده سال حبس) است که معقول به نظر نمی‌رسد.

همچنین در برخی از قوانین دیگر حامی مالکیت‌های فکری (قانون ترجمه و تکثیر کتب، نشریات و آثار صوتی ۱۳۵۲ و قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای ۱۳۷۹)، تضمین واحدی برای جرایم گوناگون در نظر گرفته شده است که این امر نادرست به نظر می‌رسد؛ زیرا نخست، تعرض به حقوق گوناگون ناشی از یک اثر (حقوق مادی و معنوی) نمی‌تواند از درجه اهمیت یکسانی برخوردار باشد؛ دوم، نقض حقوق نرم‌افزارهای رایانه‌ای بیشتر از موارد دیگر است، در حالی که مجازات آن نسبت به جرایم دیگر، سبک به نظر می‌رسد (الستی، ۱۳۸۶: ۱۳۱-۱۳۲).

۳. به‌طور کلی، بحث پیشگیری از جرایم علیه مالکیت‌های فکری کمتر مورد توجه متصدیان اجرای قوانین مربوطه و مسئولان سیاست جنایی کشور ما گرفته است؛ این در حالی است که فناوری‌های نوین، راه را برای حداقل پیشگیری وضعی مؤثر می‌گشاید. البته در عرض آن باید از رویکرد پیشگیری اجتماعی از این‌گونه جرایم نیز بهره جست که این امر نیازمند تحلیل‌های دقیق جرم‌شناختی از این جرایم و

مرتکبان آنهاست تا بتوان راهکارهای دقیقی را شناسایی کرد و به اجرا درآورد. همچنین، در عرصه پیشگیری اجتماعی و با عنایت به حاکمیت هنجارهای دینی در جامعه ما، متأسفانه تبیین هنجارمند فقهی و دینی لازم درباره حقوق مالکیت‌های فکری صورت نگرفته است و حتی تا مدت‌ها برخی از مصادیق نقض این‌گونه حقوق نیز نامشروع و حرام تلقی نمی‌شد.

نتیجه

با نگاهی بر مقررات بین‌المللی ناظر بر مالکیت‌های فکری، به‌نظر می‌رسد اصل حاکمیت سرزمینی مجازات و سیاست ارجاع تعیین کیفر به قوانین داخلی کشورها پذیرفته شده است. قوانین جمهوری اسلامی ایران مقررات کیفری پراکنده‌ای در جهت حمایت از حقوق پدیدآورندگان آثار فکری ارائه می‌دهد که علاوه بر دارا بودن اشکال‌های ماهوی و شکلی وارد بر تقنین، ناکافی است و از سوی دیگر، جایگزین‌ساختن تدابیر پیشگیرانه را با بهره‌جویی از تحلیل‌های جرم‌شناختی، ضروری ساخته است. در مجموع می‌توان گفت افزون بر رویکرد قانونگذار ما در موضوع مالکیت فکری که منجر به تشتت قوانین حمایت‌کننده از آثار مشمول مالکیت فکری شده است، توجه کافی به تناسب مجازات متخلفان این عرصه که ناقضان حریم مالکیت فکری اشخاص اند نیز لازم است. در این جهت پیشنهادهای اجرایی جهت برون‌رفت از ایرادهای موجود به‌صورت ذیل ارائه می‌شود:

- جمع‌آوری و منسجم کردن قوانین مربوط به حقوق مالکیت فکری به‌طور موضوعی در دستگاه‌های قانونگذار، اجرایی و حمایتی و برطرف کردن آشفتگی و خلأهای قوانین حمایت‌کننده از آثار فکری، به‌طور متناسب.
- وضع مقررات واحد و مجازات‌های متناسب درباره جرایمی که طبق قوانین گوناگون جرم‌انگاری شده است، ولی عنوان آنها یکی است.
- وضع تضمین‌های کیفری در همه قوانین مربوط به مالکیت‌های فکری، به‌ویژه کیفرهای مقرر در قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای (به‌دلیل گستره وسیع استفاده از آنها) و بازنگری نظام‌مند موضوعات مورد نیاز در این حوزه

مثل اصول تعیین مجازات‌ها، همچون میزان گستردگی عمل مجرم در نقض آثار مورد حمایت قانون، صدمه وارده بر بزه‌دیده (چه از نظر مالی و چه معنوی)، سازمان‌یافتگی جرم، تعداد مرتکبان، ارتکاب جرم در سطح داخلی یا بین‌المللی و....

- فرهنگ‌سازی جدی به وسیله رسانه‌های عمومی در جهت پیشگیری از جرایم علیه مالکیت‌های فکری و روشن کردن ابعاد مجمل و مبهم این مسئله.

- اهتمام ویژه ضابطان دادگستری و دیگر مراجع قضایی مرتبط با حوزه مالکیت فکری بر رصد و پیگیری همه مراحل دادرسی کیفری در معنای عام کلمه (شامل: کشف جرم، تعقیب مجرم، دادرسی، صدور و اجرای حکم).

- بسترسازی برای تعلیمات ویژه کشف جرایم مربوط به مالکیت فکری به‌منظور افزایش ضریب رؤیت‌پذیری این جرایم، جهت کاهش ارتکاب جرم در این زمینه.

منابع

الف) کتاب‌ها

۱. الستی، ساناز؛ حقوق کیفری مالکیت ادبی و هنری، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶.
۲. بزرگی، وحید؛ سازمان جهانی مالکیت فکری کنوانسیون‌ها، معاهدات و موافقتنامه‌ها، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۳.
۳. حکمت‌نیا، محمود؛ مبانی مالکیت فکری، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.
۴. دهنخدا، علی‌اکبر؛ لغت‌نامه، تهران: نشر دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۵. شفیع‌شکیب، مرتضی؛ حمایت از حق مؤلف قوانین ملی و مقررات بین‌المللی، تهران: خانه کتاب، ۱۳۸۱.
۶. فتحی‌زاده، امیر هوشنگ و وحید بزرگی؛ بایسته‌های الحاق به سازمان جهانی تجارت در زمینه حقوق مالکیت‌های فکری، چاپ اول، تهران: چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۳.
۷. ملک‌محمدی، ابوالفضل؛ نظریه‌های جرم‌شناسی، چاپ اول، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۳.
۸. میرحسینی، سیدحسین؛ فرهنگ حقوق مالکیت معنوی، ج ۲، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۵.
9. *Bechtel, kennth & Will Prason; jr, Deviant Scientist and Scientific Deviance*, 1985.
10. *Clifton, D. Bryant & dennis L.peck; 21 century sociology*, California, sage publication, 2006.
11. *Custom; Scientific Deviance*, in "Encyclopedia of Criminology", 2002, V 3.
12. *Garner, Bryan; A: Black's Law Dictionary*, Tehran: Dadgostar, 1th ed., 1379.

13. *Hornby, A. s: Oxford Advanced Learner's Dictionary of Current English*, 6 Edition, Oxford University Press, 2002.
14. *Luckenbil, David; Intellectual Property Offenses, in "Encyclopedia of Criminology"*, 2002, V 3.

ب) قوانین و مقررات

۱. قانون ترجمه و تکثیر کتب، نشریات و آثار صوتی، ۱۳۵۲.
۲. قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای، ۱۳۷۹.
۳. قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، ۱۳۴۸.
۴. قانون مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری، فعالیت‌های غیرمجاز می‌کنند، ۱۳۸۶.
۵. قانون مطبوعات اصلاحی، ۱۳۷۹.
۶. قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین، ۱۳۷۳.
7. Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS).
8. Berne Convention for the Protection of Literary and Artistic Works, 1886.
9. Brussels Convention Relating to the Distribution of Programme carrying Signals Transmitted by Satellite.
10. Geneva Convention for the Protection of Producers of Phonograms against unauthorized Duplication of their Phonogram, 1971.
11. Rome Convention for the Protection of Performers, Producers of Phonograms and Broad Casting Organizations, 1961.